

### از پشت تنور داغ تا پشت میله های سرد زندان

# شیشه پر خشی روی قلاب زندگی



صدیقی

خسته است، خسته از نگاه های تحقیرآمیز اطرافیان و البته خانواده اش. دندانی در دهانش نمانده است و پایش مثل زندگی اش لنگ می زند. نایی ندارد و مقصر این همه اتفاقات تلخ را اعتیاد، بیراهه رفتن اش و البته پدر بی مهرش می داند؛ اعتیادی که عزت و جوانی اش را از او گرفت. دوران پر فراز و نشیبی را پشت سر گذاشته، از قاچاق مواد، کارتن خوابی و سرقت گرفته تا کار در نانوائی. در ادامه گفت و گوی خیرنگار ما را با یک متعاد سابقه دار می خوانید.

**چند وقت است که در کمپ هستی و**

**برای چندمین بار است؟**

یک ماهی می شود که به خاطر مصرف شیشه سر از کمپ درآوردم. این چهارمین بار است که از گذشته عبرت نگرفتم و دوباره پا در کمپ گذاشتم.

**شغل ات چه بود و چند فرزند داری؟**

۱۶ سال در یک نانوائی شاطری کردم و صاحب یک فرزند هستم.

**سابقه کیفری و حضور در زندان هم داری؟**

سه بار برای سرقت و قاچاق مواد به زندان افتادم. روی هر فته ۶ سال حبس کشیدم.

**این بار چه طور شد به کمپ امدی؟**

روز دستگیری ام زمانی که از نانوائی بیرون رفتم تا در گوشه ای شیشه مصرف کنم لو رفتم و توسط مأموران دستگیر شدم.

**چرا به سمت اعتیاد رفتی؟**

خانواده ام همه معتاد بودند. مادرم از زمانی که بچه بودم مواد صنعتی مصرف می کرد. در نوجوانی زمانی که مادرم حین مصرف شیشه چرت می زد پنهانی مقداری از موادش را سرقت و بیرون از خانه مصرف می کردم تا این که با ادامه این کار در دام شیشه افتادم.

وقتی اعتیاد بیشتر شد کارتن خواب شدم. به ناچار ضایعات جمع و بعضی مواقع مواد قاچاق می کردم و گاهی هم که دستم به چیزی بند نمی شد سرقت می کردم. در قبال حمل مواد برای صاحب آن دستمزدم را می گرفتم. روزی مقداری مواد را بلعیدم تا به صاحب آن تحویل بدهم که در یک ایست و بازرسی به من مشکوک

## پدرم چون اعتیاد شدیدی داشت اصلا خانواده برایش مهم نبود برای همین یک روز ما را رها کرد و ناپدید شد

شدن و لو رفتم. دو بار به این روش دستگیر و روانه زندان شدم. یک بار هم برای سرقت وسایل ساختمان دستگیر شدم.

**کمی از زندگی ات تعریف کن.**

پدرم چون اعتیاد شدیدی داشت اصلا خانواده برایش مهم نبود برای همین یک روز ما را رها کرد و ناپدید شد. مادرم مجبور شد به تنهایی بار زندگی را به دوش بکشد، البته مادرم برای اعتیادش مواد قاچاق می کرد، این ماجرا ادامه داشت تا این که روزی حین حمل مواد دستگیر شد و به زندان افتاد.

بعد از این اتفاق چون سن و سال زیادی نداشتم در یک نانوائی به عنوان شاگرد مشغول به کار شدم اما بعد از مدتی از آن جا فرار کردم و دنبال کار خلاف افتادم. برای دنباله روی از خلاف چندین بار به زندان افتادم. آخرین بار که از زندان آزاد شدم اعتیاد را ترک کردم و دوباره در یک نانوائی مشغول به کار شدم اما بعد از مدتی صاحب کارم من را از آن جا بیرون کرد و به ناچار چند سالی در یک دامداری مشغول به

فعالیت شدم. بعد از این اتفاق ازدواج کردم و از دامداری بیرون آمدم و دوباره در یک نانوائی به عنوان شاطر مشغول به کار شدم.

**چرا دوباره به سراغ مواد رفتی؟**

زمانی که مادرم از زندان آزاد شد مدتی در کنار هم زندگی کردیم تا این که روزی در یک سانه تصادف فوت کرد، بعد از این اتفاق درتاک از نظر روحی خیلی به هم ریختم برای همین برای خلاصی از افکار پریشان سراغ مواد رفتم تا به خیال باطل خودم بتوانم غم دوری او را تحمل کنم.

**خانواده ات بعد از این اتفاقات چه کار کردند؟**

همسرم با فرزندم در روستا زندگی می کرد و من هر چند وقت یک بار مقداری از دستمزد خبری از خانواده ام نداق. برای آن ها می فرستادم. الان مدت هاست که خبری از خانواده ام ندارم.

**تا کی باید در کمپ بمانی؟**

تا زمانی که از شر هر چه دود و سیاهی است رها شوم. البته برای سابقه های گذشته ما باید تعهد بدهم و یک نفر ضمانت من را بکند تا دوباره دست از پا خطا نکنم.

دیگر از این همه تحقیر و در به دری خسته شده و این بار تصمیم گرفتم ام اعتیاد را برای همیشه کنار بگذارم تا مثل یک فرد عادی زندگی کنم و از همه مهم تر سرپرست خوبی برای خانواده ام باشم و به خاطر گذشته سیاهم، پسرم پیش دوستانش خجالت زده نشود.

صدیقی

«اگر کمی مکث و فکر می کردم شاید فریب لیخندهای شیطانی او را نمی خوردم. شانس آوردم دو پسر شیطان صفت موفق نشدند به نیت پلید و شوم شان برسند و گرنه معلوم نبود چه شوربختی در انتظارم بوده؛ این ها بخشی از صحبت های دختر جوان فریب خورده است. بنا به اظهارات او که نامدات از رخسارش پیداست ماجرای زندگی اش از این قرار است که او یک روز در دوران مجردی اش در مسیر برگشت از کلاس های کنکور متوجه نگاه های سنگین یک پسر غریبه می شود اما آن را نادیده می گیرد.

این ماجرا مدتی ادامه می یابد و پسر غریبه هر بار دختر را تعقیب می کند تا این که روزی او را با یک لیخنند ظاهری در تله خود گرفتار می کند. بعد از آن دختر فریب لیخنند و ظاهر پسر را می خورد و جواب مثبت اش را به لیخنندهای پسر غریبه با تبسم می دهد و این سراغاز دوران جدیدی برای او می شود.

دختر به جای آماده شدن برای کنکور و ساختن آینده خود بیشتر اوقاتش را با پسر غریبه می گذراند و برای ثبت این دوران به ظاهر شیرین مدام از یکدیگر عکس و فیلم می گیرند تا در زمان تنهایی با رجوع به آن ها خاطره بازی کنند.

دختر ساده اندیش که اصلا خبر نداشت روزی این عکس و فیلم ها گریبانگیر او می شوند همچنان به راه خودش ادامه می دهد تا این که از ورود به دانشگاه جا می ماند. خانواده دختر وقتی می بینند تمام تلاش ها و هزینه های آن ها برای دخترشان بی نتیجه مانده است به یکی از خواستگارها جواب مثبتی می دهند و مقدمات ازدواج زوج جوان را فراهم می کنند.

دختر که خود گویا از جا ماندن از دانشگاه خجالت زده و خسته شده بود پای سفره عقد می نشینند و دوران نامزدی شان آغاز می شود اما این پایان

۱۷.کلاس۵۹.۰۰۰۰۷۱۱۶۰۰۰۰۱۳۹۸۱۱۴۴ آقای براتعلی قهرمان فرزند حسین شش دانگ انباری و

زمین متصل به مساحت ۱۰/۲۱ متر از پلاک ۱۳۷۴ فرعی از محل مالکیت حسین قهرمان برابر رای۹۸/۲۱۳۸

۱۸.کلاس۰۰۰۰۷۱۱۶۰۰۰۰۰۱۳۹۸۱۱۴۴ خانم سکینه نصرتی فرزند محمد شش دانگ منزل به مساحت ۱۲۶/۹۹ متر از پلاک ۱۷۸۱ فرعی از محل مالکیت براتعلی بانکنگ برابر رای۹۸/۱۹۹۴

۱۹.کلاس۰۰۰۰۷۱۱۶۰۰۰۰۰۱۳۹۸۱۱۴۴ آقای سلیمان ایماندار فرزند عیسی شش دانگ منزل به

مساحت ۱۵۸/۵۱ متر از پلاک ۱۸۲ فرعی از محل مالکیت سکینه حقانی دشتی فرزند فاطمه سلطان لعل دلیری برابر رای ۹۸/۱۹۹۰

۲۰.کلاس۰۰۰۰۷۱۱۶۰۰۰۰۰۱۳۹۸۱۱۴۴ خانم کتابون عفتی فرزند بهرام شش دانگ منزل به مساحت

۱۲/۴۶ متر از پلاک ۱۵۰ فرعی از محل مالکیت جواهر سلطان جواهری برابر رای۹۸/۱۹۸۳

**پلاک ۶۵ – اصلی حسن آباد قصبه**

۲۱.کلاس۰۰۰۰۷۱۱۶۰۰۰۰۰۱۳۹۸۱۱۴۴ آقای مهدی گنجی نیا فرزند خلیل ۲ دانگ و کلاسه ۰۰۰۰۱۲۷

۰۰۰۰۱۲۷ کلاس۱۳۹۸۱۱۴۴ آقای محمد رضا گنجی نیا فرزند خلیل ۲ دانگ و کلاسه ۸۰/۹

متر از پلاک ۱۱۳ فرعی از محل مالکیت حاتم حاتمى برابر رای۹۸/۲۱۳۲

۲۲.کلاس۰۰۰۰۷۱۱۶۰۰۰۰۰۱۳۹۸۱۱۴۴ خانم سکینه قلیپورحسن ابیادی فرزند محمد شش دانگ

منزل به مساحت ۱۲۴/۸۱ متر از پلاک ۷۶ فرعی از محل مالکیت محمد قلی پور فرزند ولی

محمد برابر رای ۹۸/۲۰۱۷

۲۳.کلاس۰۰۰۰۷۱۱۶۰۰۰۰۰۱۳۹۸۱۱۴۴ آقای مهدی خالقى فرزند عباس شش دانگ مغازه به

مساحت ۲۳/۵۱ متر از پلاک ۱۲۷ فرعی از محل مالکیت غلامرضا رامشک برابر رای۹۸/۱۹۹۸

۲۴.کلاس۰۰۰۰۷۱۱۶۰۰۰۰۰۱۳۹۸۱۱۴۴ آقای محمد گنجی نیا فرزند خلیل ۲ دانگ مغازه به مساحت ۸۰/۹

متر از پلاک ۱۶۲/۱ متر از پلاک ۸۰۱ فرعی از محل مالکیت فرج الله فلاح برابر رای۹۸/۱۹۶۵

**پلاک ۶۷ – اصلی قریه قصبه**

۲۵.کلاس۰۰۰۰۷۱۱۶۰۰۰۰۰۱۳۹۸۱۱۴۴ خانم مریم فیروز فرزند حسینعلی شش دانگ منزل به

مساحت ۱۷۴/۲۱ متر از پلاک ۴۴۷ فرعی از محل مالکیت محمد علی کسکنی برابر رای۹۸/۱۹۷۶

۲۶.کلاس۰۰۰۰۷۱۱۶۰۰۰۰۰۱۳۹۸۱۱۴۴ آقای محمد رضائی فرزند حجی اسمعیل شش دانگ منزل

به مساحت ۱۴۵/۹۵ متر از پلاک ۵۳ فرعی از محل مالکیت رجبعلى اکبر زاده رضائى برابر رای ۹۸/۲۰۰۰

**پلاک ۶۹ – اصلی قریه کشتان**

۲۷.کلاس۰۰۰۰۷۱۱۶۰۰۰۰۰۱۳۹۷۱۱۴۴ آقای ابراهیم زارعی کشتان فرزند عباس شش دانگ منزل

به مساحت ۲۴۴ متر از پلاک ۲۸۸ فرعی از محل مالکیت ورثه اسماعیل زارعی کشتان برابر رای ۹۸/۱۹۹۲

۲۸.کلاس۰۰۰۰۷۱۱۶۰۰۰۰۰۰۱۳۹۷۱۱۴۴ آقای حسین محمدی فرزند عباسعلی شش دانگ مغازه به

مساحت ۲۲/۱۱ متر از پلاک ۴۵ فرعی از محل مالکیت عباسعلی محمدی برابر رای ۹۸/۰۵۸۱

۲۹.کلاس۰۰۰۰۷۱۱۶۰۰۰۰۰۰۱۳۹۸۱۱۴۴ آقای علیرضا دهنوی فرزند صفر علی شش دانگ منزل به

مساحت ۲۳۷ متر از پلاک ۲۲۲۶ فرعی از محل مالکیت قدرت نامنى برابر رای۹۸/۲۰۱۹

۳۰.کلاس۰۰۰۰۷۱۱۶۰۰۰۰۰۱۳۹۸۱۱۴۴ آقای علی حاتمى مطلق فرزند احیا شش دانگ منزل به

مساحت ۲۰۹/۲۵ متر از پلاک باقیمانده۵۰۸ فرعی از محل مالکیت ورثه مرحوم حاج ابراهیم صفی خانی برابر رای۹۸/۲۱۴۲

**پلاک ۷۱ – اصلی میان آباد**

۳۱.کلاس۰۰۰۰۷۱۱۶۰۰۰۰۰۰۱۳۹۷۱۱۴۴ خانم طاهره خاکشورى فرزند غلامحسین شش دانگ

منزل به مساحت ۳۶۷/۷۷ متر از پلاک ۲۲۹۷ فرعی از محل مالکیت صدیقه خاکشورى برابر رای ۹۸/۱۹۵۸

۳۲.کلاس۰۰۰۰۷۱۱۶۰۰۰۰۰۰۱۳۹۷۱۱۴۴ آقای محسن استیری فرزند رمضان شش دانگ منزل به

مساحت ۳۷۵/۲۱ متر از پلاک ۳۶۲ فرعی از محل مالکیت ورثه ملوک فلاح برابر رای۹۸/۱۹۷۸

**پلاک ۷۲ – اصلی کلانه کاهی**

۳۳.کلاس۰۰۰۰۷۱۱۶۰۰۰۰۰۰۱۳۹۷۱۱۴۴ آقای مجتبی شکوهی فرزند عباس شش دانگ منزل به

مساحت ۱۸۰/۷۹ متر از پلاک ۰ فرعی از محل مالکیت مملکت منصوریان فرزند علی اکبر برابر رای ۹۸/۱۹۸۷

۳۴.کلاس۰۰۰۰۷۱۱۶۰۰۰۰۰۰۱۳۹۸۱۱۴۴ آقای احمد رضا صفری آجقان فرزند حضرتقلی شش

## ناکامی سارقان عنکبوتی

دو سارق که بعد از ورود به یک ساختمان مسکونی در حال جست و جوی اشیای قیمتی بودند با هوشیاری مستاجر در پیشبرد اهداف شان ناکام ماندند. دو سارق که عنکبوت وار از دیوار یک ساختمان دو طبقه در شهر ک امام خمینی (ره) خودشان را به پشت بام رسانده بودند بعد از ورود به ساختمان با هوشیاری زن مستاجر مواجه شدند بدون این که به نیت شوم شان برسند پا به فرار گذاشتند.

زن مستاجر که باعث فرار سارقان شده بود در این باره گفت: یک شب که همراه خانواده مشغول تماشای سریال بودیم ناگهان همسرم متوجه صدایی مشکوک در پشت بام شد. ابتدا به خیال این که صدای باد است توجهی به آن نکردیم اما بعد از گذشت لحظاتی همسرم به سمت صدا رفت که با سر و صدای او خودمان را به بالکن خانه رساندیم.

در کمال ناباوری دیدیم یک سارق از دیوار صاف ساختمان دو طبقه مانند عنکبوت در حال بالا آمدن است که با سر و صدای ما به سرعت خودش را از بالکن طبقه اول پایین انداخت و همدستش که خودش را به پشت بام همسایه رسانده بود قبل از رسیدن ما خودش را از دیوار چند متری پایین انداخت و هر دو سارق لنگ لنگان در تاریکی پا به فرار گذاشتند.

با سر رسیدن پلیس هر چقدر اطراف را با کمک همسایه ها جست و جو کردیم اما اثری از سارقان عنکبوتی نیافتیم.

## کشف دو دستگاه مولد ارز دیجیتال

**صدیقی-** دو دستگاه مولد ارز دیجیتال (بیت کوین) کشف شد. به گفته مدیرکل تعزیرات حکومتی خراسان شمالی، پلیس آگاهی استان در پی بازرسی از یک منزل در بجنورد موفق به کشف این تعداد دستگاه مولد ارز دیجیتال شد. «سیدالמושوی» اعلام کرد: ارزش کالای کشف شده بیش از ۳۲۰ میلیون ریال است که پرونده تخلف در تعزیرات به منظور صدور حکم در حال رسیدگی و تحقیقات است.